

## نقش کنگره‌ی آمریکا در زمینه‌ی اعمال ملاحظه‌های امنیتی - راهبردی مربوط به «سیاست کنترل صدور فناوری»<sup>۱</sup>

سیداصغر کیوان حسینی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸/۱۰/۸۸

تاریخ تأیید مقاله: ۱۹/۱۲/۸۸

صفحات مقاله: ۲۹-۹

### چکیده

حوزه‌ی تصمیم‌سازی خارجی آمریکا بر محور صدور فناوری، همواره از نوعی «هماهنگی و مشارکت میان سازمانی» برخوردار بوده است. به عبارت دیگر، در کنار قوه‌ی مجریه، کنگره نیز سعی داشته از طریق طرح و تصویب قوانین و مقررات مربوط به این مقوله، به شرایط اجرایی مورد نیاز برای پیشبرد اهداف ناظر بر سیاست کنترل صدور اقلام فناورانه مساعدت نماید. این الگوی تعامل میان ارکان تقنینی و اجرایی آمریکا، جلوه‌ی خاصی از نظام مشارکت بین سازمانی در این کشور را ارائه می‌دهد؛ مشارکت و تعاملی که فراتر از دغدغه‌های حزبی و منفعت‌طلبانه، در مواردی تا سطح اجماع نسبی بر محور خطوط راهنمای رفتار خارجی نیز معنا و هویت یافته است. در این مقاله سعی می‌شود که چگونگی نقش‌آفرینی کنگره در ارتباط با موضوع مورد اشاره (صدور فناوری) در دوره‌های قبل از جنگ سرد، جنگ سرد و بعد از آن مورد بررسی قرار گیرد. فرضیه‌ی اصلی نیز که بر محور اثبات این الگوی همکاری میان کنگره و قوه‌ی مجریه معنا می‌یابد، در جریان بررسی تحولات مربوط به دوره‌های زمانی پیش گفته قابل اثبات خواهد بود.

۱- این مقاله برگرفته از پروژه‌ی تحقیقاتی است که با عنوان «نقش‌آفرینی کنگره‌ی آمریکا در ارتباط با سیاست ناظر بر صدور فناوری» در دانشگاه فردوسی مشهد به تصویب رسیده است.  
۲- استادیار رشته روابط بین‌الملل و عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد.

## کلید واژگان

سیاست کنترل صدور فناوری، قانون اداری صادرات، قانون مهار صادرات، قانون تجارت با دشمن، قانون نبرد، اصلاحیهی سمینگتون

## مقدمه

در چارچوب خطوط راهنمای ناظر بر راهبرد کلان آمریکا در دوره‌ی جنگ سرد و بعد از آن، سیاست معطوف به اعمال نظارت و کنترل بر جریان صدور فناوری‌های پیشرفته به دیگر کشورها، از موقع بسیار مهمی برخوردار بوده است. در واقع، در کنار انگیزه‌ها و محرک‌های فرهنگی و تمدنی که آبخور نرم‌افزاری قدرت این دولت برای پاسداری از موقع «برتری طلبی فناوریانه» باید قلمداد شود؛ سیاست مزبور (کنترل صدور) بر نوعی جهت‌گیری در عرصه‌ی امنیتی - راهبردی دلالت دارد. در این میان، پرسشی اصلی عبارت است از اینکه «در چارچوب نظام تصمیم‌سازی ایالات متحده بر محور سیاست کنترل صدور فناوری، رکن تقنینی آن خاصه کنگره چه نقشی بر عهده دارد؟» به نظر می‌رسد که برای پاسخ‌یابی منطقی و روش‌مند برای این پرسش، بررسی روند فعالیت‌های قانونگذارانه‌ی نهاد مزبور در ارتباط با روند تصمیم‌سازی‌های اجرایی در قوه‌ی مجریه، بهترین گزینه باشد. بر این اساس، نوشتار حاضر فرضیه‌ی زیر را مدنظر دارد:

”در چارچوب نظام تصمیم‌گیری معطوف به سیاست کنترل صدور (فناوری) الگوی تعامل میان کنگره و قوه مجریه از ویژگی «مشارکت میان سازمانی» برخوردار شده و تا مواردی تا سطح «اجماع نسبی» نیز به پیش می‌رود.“

روش مورد نظر در این تحقیق «اسنادی» (کتابخانه‌ای) خواهد بود. در ادامه با اتکا بر شیوه‌ی توصیفی - علی سعی می‌شود که مسیر مورد نظر برای بررسی و اثبات فرضیه به پیش رود. الگوی سازماندهی این نوشتار در چهار بخش طراحی شده، که در چارچوب آن چگونگی تعامل میان در رکن تقنینی و اجرایی آمریکا بر محور سیاست کنترل صدور فناوری به دیگر کشورها بویژه کشورهای تهدیدزا و ناسازگار مورد توجه قرار می‌گیرد. بستر زمانی مورد نظر

نیز دوره‌های زمانی قبل از جنگ سرد، جنگ سرد و بعد از آن و بویژه فضای بعد از یازدهم سپتامبر را دربر خواهد گرفت.

### ۱ - نقش کنگره در ساختار و روند تصمیم‌سازی خارجی آمریکا

مفهوم «سیاست کنگره‌ای»، در چارچوب سیاست و حکومت در آمریکا، بیش از هر چیز از جایگاه منحصر به فرد نهاد کنگره در این نظام سیاسی، در مقایسه با دیگر دموکراسی‌های غربی حکایت دارد. (Ornstein and Mann, 2006: 27) مبنای این موقعیت ساختاری در اصول حاکم بر فرایند تدوین و تصویب قانون اساسی این سرزمین باید پی‌جویی شود. به کلام دیگر، در سایه‌ی دکترین دوگانه‌ی «تفکیک قوا» و «مقابله و توازن»<sup>۱</sup> به عنوان اصل حاکم ساختار سیاسی این دولت، شرایط لازم برای نقش‌آفرینی این رکن تقنینی در تعامل با دیگر ارکان اجرایی و قضایی آن فراهم می‌شود. در این وضعیت کنگره از طرق گوناگون چون کنترل بودجه، حق تأیید صلاحیت مهم‌ترین مقام‌های سیاسی چون سفرا، حق اعلان جنگ، ... بر قوه‌ی مجریه اعمال نظارت نماید. در این ارتباط، باید از اختیارات قانونی رئیس جمهور در مورد مصوبات هر دو مجلس قوه‌ی مقننه سخن گفت؛ چرا که بدون امضای وی شرط قانونی شدن مصوبات مزبور متحقق نخواهد شد. بر این مبنای، مقوله‌ی «وتوی رئیس جمهور» از موضوعات بسیار مهمی است که می‌تواند پی‌آمدهای خاصی را برای عرصه‌ی مدیریت امور داخلی و خارجی کشور به همراه داشته باشد. (وایل، ۱۳۸۴: ۱۰ و ۲۱۳) در این میان، عرصه‌ی تصمیم‌گیری خارجی به صحنه‌ی دیگری برای تعامل میان کنگره و رئیس جمهور تبدیل شده است، (Hamilton, 2002: 208-209) در این ارتباط، باید از دهه‌ی هفتاد به عنوان یک نقطه‌ی عطف سخن گفت. در واقع، ناکامی آمریکا در نبرد ویتنام که به عنوان حادثه‌ای غیراخلاقی بعد از واترگیت، موجبات تضعیف اعتبار جهانی «استثناء‌گرایی آمریکایی»<sup>۲</sup> را فراهم آورد؛ (Davis & Jones, 1987: 20) از سوی کنگره به عنوان نمادی از پایبندی شدید دستگاه

1 - Checks and Balances

2 - American Exceptionalism

دیپلماسی به آرمان‌های قدرت محور تلقی شد؛ وضعیتی که ضرورت تأثیرگذاری نافذ این نهاد در عرصه‌ی سیاست خارجی را بیش از پیش موجه جلوه می‌داد. به این ترتیب، در سایه‌ی حمایت‌ها و دخالت‌های گسترده‌ی نمایندگان کنگره، زمینه‌های قانونی لازم برای تعبیه‌ی مضامین حقوق بشرگرا در نظام تصمیم‌سازی خارجی این دولت شکل گرفت، ابتکاری خاص که می‌توانست موجبات ارتقای دوباره‌ی اعتبار جهانی ایالات متحده را فراهم آورد، (Forsythe, 1988: 1-5) این شیوه‌ی برخورد تنش‌آلود میان کنگره و قوه‌ی مجریه، در دهه‌ی پایانی قرن بیستم نیز با جلوه‌های جدید همراه شد؛ یعنی در شرایطی که رهبری آمریکا در مسیر تعیین و ترسیم خطوط راهنمای راهبرد کلان این دولت، بویژه از زاویه‌ی هویت‌بخشی به اصول ناظر بر الگوی رفتار خارجی، با چالش‌های جدیدی مواجه بود. (Kupchan & Trubwitz, 2007: 76-77)

با توجه به توضیحات بالا می‌توان گفت که در طول دوره‌ی طولانی فعال‌گرایی بین‌المللی ایالات متحده از جنگ جهانی دوم، همواره روند طراحی، اجرا و دگرگونی‌پذیری اصول ناظر بر سیاست خارجی این دولت به حمایت کنگره نیازمند بوده است. در این زمینه می‌توان به سیاست مهار شوروی (سابق) به عنوان اصل بنیادین رفتار خارجی ایالات متحده در دوران جنگ سرد اشاره کرد، که به زعم برخی تحلیل‌گران بدون پشتیبانی کنگره متحقق نمی‌شد. (Nye, 2006: 143) این رویه‌ی تأثیربخشی در رفتار خارجی، در حوزه‌ی جهت‌گیری‌های کلان امنیتی و راهبردی، خاصه در عرصه‌ی تصمیم‌گیری‌های مربوط به صدور فناوری پیشرفته و ضوابط و مقررات ناظر بر آن، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که این طیف از ملاحظه‌های امنیتی بر الگوی نقش‌آفرینی این دولت در سطوح منطقه‌ای و جهانی، تأثیر بسیار مهمی داشته و خواهد داشت.

## ۲ - کنگره و اعمال محدودیت‌های صدور (اقلام و کالاهای فناورانه) به دیگر کشورها قبل از آغاز

### جنگ سرد

پیشینه‌ی نظام قانون‌سازی آمریکا بر محور اعمال محدودیت‌های اقتصادی و فناورانه علیه دیگر دولت‌ها، حداقل به سال ۱۸۹۸ باز می‌گردد. در این سال و در واقع، سه روز پیش از اعلام جنگ با اسپانیا در همان سال، کنگره این اختیار قانونی را به رئیس‌جمهور واگذار کرد

که از صدور زغال سنگ یا دیگر مواد قابل استفاده در جنگ از طریق بنادر ممانعت به عمل آورد. در همان سال مصوبه‌ی دیگری از سوی کنگره، به قوه‌ی مجریه این حق را می‌داد که از صدور تسلیحات یا مهمات به هر کشوری که درگیر شورش‌های داخلی بوده و بهره‌مندی از اقلام پیش گفته زمینه‌ساز تشدید شرایط بحرانی آن می‌شود، جلوگیری کند. (علیخانی، ۱۳۸۰: ۱۹)

همگام با ورود ایالات متحده به صحنه‌ی جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۷، دیگر مصوبه‌ی کنگره یعنی «قانون تجارت با دشمن»<sup>۱</sup> این اختیار را به رئیس قوه‌ی مجریه می‌داد که برای آن بخش از فعالیت اقتصادی مراجع دولتی یا خصوصی که منافعی را برای دولت‌های مخالف یا دشمن به همراه داشت، محدودیت‌هایی را اعمال نماید. در سال ۱۹۳۵، اولین قانون ناظر بر کنترل صدور تسلیحات تحت عنوان «قانون بی‌طرفی»<sup>۲</sup> به تصویب کنگره رسید. این قانون به انگیزه‌ی ممانعت از کشاندن آمریکا به جنگ توسط دیگر دولت‌های مخاصم، اختیار لازم برای مهار صدور سلاح، مهمات و ملزومات جنگی به این قبیل کشورها را به رئیس جمهور اعطا می‌کرد. در سال ۱۹۴۰ که دامنه‌ی جنگ در اروپا گسترش یافت، کنگره در خصوص کنترل صدور تسلیحات و نیز تمامی اقلام و فناوری‌های حساس نظامی، اقتدار خاصی را برای رئیس جمهور قایل شد. (Wallerstein, 1991: 70-71)

### ۳- کنگره و قوانین ناظر بر تحدید صدور فناوری بر محور سیاست مهار

ابعاد کیفی رقابت امنیتی / نظامی میان دو ابرقدرت در دوره‌ی جنگ سرد که بویژه نظام تولید تسلیحات و فناوری‌های نظامی و دو کاربردی<sup>۳</sup> مربوط را شامل می‌شد، به مقدمه‌ای برای تقویت نظام قوانین ملی آمریکا بر محور ممانعت از صدور اقلام فناورانه به بلوک رقیب تبدیل شد. به عبارت دیگر، در بستر جریان «مفهومی‌سازی امنیت ملی آمریکایی»، رهبران این دولت بر مبنای سه

1 - Trading with the Enemy Act.

2 - Neutrality Act.

3 - Military Technology and Dual Technology.

اصل بنیادین «فعال‌گرایی جهانی، کمونیس‌ستیزی و سدبندی»، در صدد طراحی الگوی نظام قانونی مناسبی برآمدند که از قابلیت لازم برای پیوندآفرینی میان سه مقوله‌ی کنترل فناوری، رقابت اقتصادی و امنیت ملی برخوردار باشد. در این زمینه «قانون انرژی اتمی»<sup>۱</sup> که در سال ۱۹۴۶ به تصویب کنگره رسید، افزون بر اهتمام به تنظیم و قانونمندسازی روند آزمایش‌های اتمی دولت ترومن، در صدد سامان‌بخشی به رفتار خارجی این دولت در حوزه‌ی صدور فناوری هسته‌ای به دیگر دولت‌ها برآمد، (Elliot & Reginal, 1989: 245) در همین ارتباط، «کمیسیون انرژی اتمی» نیز از نهادهایی است که در جهت زمینه‌سازی برای تحقق اهداف قانون پیش گفته، بویژه ممانعت از انتشار اطلاعات مربوط به فناوری هسته‌ای ایالات متحده شکل گرفت. «قانون مک ماهون»<sup>۲</sup> نیز برای تقویت قانون انرژی اتمی بویژه در حوزه‌ی «تحدید جریان گسترش خارج از کنترل اطلاعات» در سال ۱۹۵۴ به تصویب کنگره رسید. (Ibid: 246-247)

تحولات تأثیرگذار بر پایان عصر انحصارگری هسته‌ای آمریکا که بیش از هر چیز با دستیابی مسکو به فناوری تولید سلاح هسته‌ای در سال ۱۹۴۹ و تصویب قانون امنیت ملی (NSC-۶۸) در نیمه دوم دهه ۵۰ مشخص می‌شد، روند قانونگذاری معطوف به اعمال محدودیت بر جریان صدور فناوری‌های پیشرفته را با نوآوری خاصی مواجه کرد. در این زمینه «قانون مهار صادرات»<sup>۳</sup> از اولین گام‌های نظام تقنینی این دولت در زمان صلح باید تلقی شود، حرکتی که در جهت تکمیل رویکرد نظام‌مند رویارویی با تهدیدهای فناورانه / تسلیحاتی متصور از سوی شوروی و متحدانش طراحی شد. بر اساس این قانون فراگیر، رئیس جمهور برای جلوگیری از صدور هر نوع کالا یا اقلامی که با منافع امنیتی آمریکا مغایرت داشت، از اختیارات خاصی برخوردار گردید. به این ترتیب، منطبق ناظر بر قانون مزبور، تضعیف بنیه‌ی نظامی بلوک شرق و متحدانش را از طریق تحدید عرصه‌ی صدور اقلام فناورانه مدنظر قرار

1 - Atomic Energy Act

2 - The Mc Mahon Act

3 - Export Administration Act(EAA).

می‌داد. لازم به اشاره است که در پی وقوع جنگ کره در سال ۱۹۵۱ و ملموس‌تر شدن خطرات ناشی از قدرت نظامی چین، مهلت اعتبار قانون مزبور که در ۳۰ ژوئن همان سال به پایان می‌رسید، تمدید شد. (همان، ۵۲-۵۱) با آغاز دوره‌ی «تعارض نوسانی»<sup>۱</sup> که با به قدرت رسیدن جمهوری خواهان به رهبری آیزنهاور در اوایل دهه‌ی پنجاه و اعلان آموزه‌ی «تلافی بزرگ»<sup>۲</sup> مقارن شد، رویکرد راهبردی کنترل صدور (اقدام فناورانه نیز تحت تأثیر قرار گرفت). (Gaddis, 1982: chapter 1) اولین مورد به اصلاح قانون انرژی اتمی در سال ۱۹۵۴ ارتباط می‌یابد؛ که بر مبنای آن زمینه‌ی مناسبی برای انتقال اطلاعات علمی مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای معطوف به تولید سلاح اتمی به متحدان اروپایی بویژه انگلیس فراهم می‌شد؛ راهکاری قانونی که تحدید بیشتر جریان برخورداری دولت‌های دیگر از اطلاعات مزبور را نیز مدنظر داشت. (کوهن؛ ۱۳۸۱، ۱۱۹-۱۱۰) در همان سال کنگره به تصویب «قانون امنیت متقابل»<sup>۳</sup> مبادرت ورزید که بر مبنای آن جریان صدور سلاح، مهمات و دیگر ملزومات جنگی زیر نظر وزارت جنگ قرار می‌گرفت. تمدید قانون مهار صادرات تا دهه‌ی شصت از دیگر موارد تصویبی کنگره در این برهه است. (علیخانی، همان، ۵۳)

رفتار خارجی آمریکا در دهه‌ی شصت یعنی دوره‌ی زمامداری کندی، بیش از هر چیز با بازنگری در سیاست «مقابله به مثل با تمام قدرت» (به عنوان شعار محوری آیزنهاور) مشخص می‌شود. بر این اساس، استیلای نوعی واقع‌بینی فراگیر همراه با مشرب رفتارگرایی، به مقدمه‌ای برای طراحی راهبرد کلان کابینه‌ی نوپا بر محور آموزه‌ی «پاسخ انعطاف‌پذیر»<sup>۴</sup> تبدیل شد؛ واکنشی مهم که همگام با حذف کارآیی سنتی سیاست سد نفوذ، در پی ترسیم رفتار خارجی نوین این دولت در ارتباط با جهان خارج برآمده بود. (Bacevich, 2007: 76-77) در این میان، جریان پرهیز از به کارگیری سیاست‌های تکراری بویژه در سطح بسیج منابع قدرت ملی، در فضای تصویب قوانین

1 - Oscillatory Antagonism.

2 - Mass Retaliation

3 - Mutual Security Act.

4 - Flexible Response.

معطوف به اعمال کنترل بر صدور فناوری پیشرفته نیز اثربخش بود؛ چنانکه کنگره نیز در این مورد به اعمال اصلاحات خاصی مبادرت ورزید؛ چون موارد اصلاحی که از رئیس جمهور می‌خواست که علاوه بر اقلام مهم نظامی، کالاهای مهم اقتصادی را نیز در جریان صدور مجوز صادراتی لحاظ نماید. بر این مبنا، وی از اختیار لازم برای ممانعت از صدور کالا به هر کشوری که تهدیدی برای امنیت (نظامی و اقتصادی) و رفاه ایالات متحده محسوب می‌شد، برخوردار گردید. (همان، ۵۴-۵۳) در همین زمینه، می‌توان به قانون کمک‌های خارجی<sup>۱</sup> اشاره کرد. در فصل ب-۵۰۲ آن، فروش اقلام نظامی و خدمات آموزشی به دولت‌هایی که مرتکب به «نقض دایمی و فاحش» حقوق بشر هستند، ممنوع شده بود؛ هرچند که در عین حال در «شرایط فوق‌العاده» رئیس جمهور از اختیار لازم برای نقض این محدودیت برخوردار بود. (بشری، ۱۳۸۵: ۱۶-۱۵) به قدرت رسیدن نیکسون در سال ۱۹۶۹، آغاز دهی پیچیده‌ای از تعامل ایالات متحده با نظام بین‌الملل در قالب «تنش‌زدایی» را مشخص می‌کند. در این دوره «سیاست منعطف‌سازی راهبرد بازدارندگی» به عنوان پی‌آمد چالش نبرد ویتنام. (Kissinger, 1994: 124) با نقش‌آفرینی جدیدی از سوی کنگره مقارن شد. به عبارت دیگر، ناکامی‌های گسترده در حوزه رفتار خارجی خاصه شرایط ناگوار حاصل از این عارضه (ویتنام) که اعتبار جهانی این دولت و اسطوره‌های تمدنی آن بویژه «استثناگرایی آمریکایی» را مخدوش ساخت؛ به مقدمه‌ای برای ظهور دوره‌ی خاصی از چالش میان دو نهاد تقنینی (کنگره) و مجریه تبدیل شد. در این ارتباط، حداقل می‌توان با دو نمونه از موارد اعمال نفوذ کنگره مواجه شد: اولین مورد به تعبیه‌ی «اصل پایبندی به حقوق بشر» در جریان کمک‌های امنیتی و اقتصادی به دولت‌های متهم به نقض حقوق مزبور مربوط می‌شد، (Forsyth, OP.cit: 171) و مورد بعدی، به مساعی این نهاد در جریان طرح و تصویب یا اصلاح قوانین ناظر بر صدور اقلام فناورانه ارتباط می‌یابد. در توضیح این مطلب باید افزود که در سال ۱۹۷۱ کنگره مصوبه‌ی جدیدی را تحت عنوان «قانون اداره‌ی صادرات» مطرح کرد؛ قانونی منحصر به فرد که فضایی متفاوت از نص و روح «قانون مهار

---

1 - Foreign Assistance Act (FAC)



صادرات» را پیش می‌کشید. در روند تدوین این قانون، کنگره کوشید اصلاحات عمده‌ای را در موارد زیر ایجاد کند: تحدید اقلامی که بنابر دلایل امنیت ملی، صدور آن مشمول قوانین مهار (صادرات) می‌شد، حذف ممنوعیت از صدور کالاهایی که بر اساس اصلاحیه‌ی سال ۱۹۶۲ و به دلیل «کمک بالقوه به توان اقتصادی کشور مخاصم»، قابل صدور نبود، ضرورت اعمال انعطاف بیشتر در مرحله‌ی صدور مجوز صادراتی و تنظیم فهرست کالاهای ممنوع‌الصدور؛ ضرورت هماهنگی بیشتر قوه‌ی مجریه با اعضای کمیته‌ی هماهنگی مهارهای صادراتی چند جانبه (کوکوم)<sup>۱</sup> به منظور ارتقای سطح تجارت و... این حرکت کنگره با مخالفت نیکسون مواجه شد و در مقابل، وی تمدید قانون مهار صادرات تا سال ۱۹۷۳ را خواستار شد. همچنین دولت افزایش حوزه‌ی تعیین اقلام ممنوع‌الصدور در سطحی فراتر از ملاحظات اعضای کوکوم را مورد تأکید قرار داد، چرا که این کشورها صرفاً بر مبنای «افزایش بنیه‌ی نظامی» به عنوان معیاری برای صدور یا تحدید (صدور) و منع آن، اکتفا می‌کردند. افزون بر آن، کابینه درصدد برآمد که در روند تحدید صدور اقلام خاص، به جای دلایل مربوط به امنیت ملی، به ادله‌ی جاری در حوزه‌ی سیاست خارجی استناد نماید. ماحصل این سطح از اختلاف میان کنگره و دولت، به پیروزی دولت در چهره‌ی تصویب قانون مهار صادرات منجر شد؛ و بر این اساس، قوه‌ی مجریه علاوه بر حفظ حق مهار صادرات، در جریان اعمال آن نیز می‌توانست به دلایل امنیت ملی، سیاست خارجی و حتی اهداف آرمانی استناد نماید. مورد دیگر به «قانون تجارت با دشمن» ارتباط می‌یابد. لازم به ذکر است که در اوایل سال ۱۹۷۳ که فضای بحرانی حاصل از جنگ ویتنام و واترگیت نیز کاملاً محسوس بود؛ کنگره روند بازنگری در اختیارات صادراتی رئیس جمهور را بر محور قانون مزبور متمرکز کرد که به اتخاذ رویه‌های جدیدی انجامید. (همان: ۴۷ و ۵۷-۵۵) به قدرت رسیدن فورد در سال ۱۹۷۴ به عنوان پی‌آمد بحران واترگیت و عزل نیکسون، با ابتکارهایی از سوی کنگره در خصوص صدور

1 - Coordinating Committee for Multilateral Export Control (COCOM)

شایان توجه این که کوکوم قدیمی‌ترین ترتیب چندجانبه‌ای است که در سال ۱۹۴۹ با مشارکت دول غربی به محوریت آمریکا برای اعمال نظارت و کنترل بر جریان صدور فناوری‌های پیشرفته خاصه دومانظوره به بلوک شرق شکل گرفت.

فناوری و دیگر اقلام مربوط همراه بود. در این ارتباط باید از «اصلاحیه‌ی سمینگتون»<sup>۱</sup> سخن گفت. بر مبنای قانون مزبور که در سال ۱۹۷۶ به تصویب رسید، قطع کمک‌های نظامی و اقتصادی به کشوری که از طریق واردات درصدد دستیابی به تأسیسات و تجهیزات غنی‌سازی اورانیوم باشد، امری قانونی و اجباری تلقی می‌شد. «اصلاحیه‌ی گلن»<sup>۲</sup> که در سال ۱۹۷۷ تصویب شد، مورد دیگری است که بر منع کمک به کشورهایی که در پی وارد کردن فناوری برای تولید پلوتونیوم بودند، اصرار می‌کرد. (Nye, 1995: 152-153)

دوره‌ی کارتر از زوایای گوناگونی مورد نقد و بررسی‌های راهبردی قرار گرفته است. اما در این میان، به نظر می‌رسد که دیدگاه آنانی که خطوط راهنمای راهبرد کلان آمریکا در این دوره را به دو حوزه‌ی لیبرال‌گرایی و بین‌الملل‌گرایی ستیزه‌جویانه محدود می‌نمایند، از جامعیت بالاتری برخوردار است. بر این مبنای، در نیمه‌ی اول دوره‌ی زمامداری وی باور به همگون‌سازی سیاست خارجی این دولت با ارزش‌های مطلوب پدران بنیانگذار بویژه آرمان‌های ویلسونستی که ضرورت پاسداری از اقتدار اخلاقی ایالات متحده را تجویز می‌کرد، (Cohen, 1993: 207) از جلوه‌ی مهمی برخوردار شد. به این ترتیب، «حقوق بشرگرایی» به عنوان واکنشی لیبرال به ناکامی‌های حاصل از واترگیت و ویتنام و راهکار احیای نقش «رهبری اخلاقی»<sup>۳</sup>، خطوط راهنمای این دوره (۱۹۷۶-۷۸) از راهبرد کلان دولت کارتر را تحت تأثیر قرار داد. به طور طبیعی، در این شرایط که با آرام‌سازی فضای ستیزه‌جویی با شوروی همراه بود؛ (هالیدی، ۱۳۶۴: ۳۰۱-۳۰۲) نمی‌توان انتظار داشت که موضوع طرح و تصویب قوانین ناظر بر تحدید صدور فناوری، از جایگاه قابل تأملی در دستور کار کنگره برخوردار باشد. با این وصف، در دو سال پایانی این دوره که با استیلای نوعی «بین‌الملل‌گرایی ستیزه‌جویانه» بر الگوی رفتار خارجی آمریکا مقارن شد. (Forsythe, 1989: 114) تغییراتی بروز کرد. در این میان، سیاست منع اشاعه<sup>۴</sup>

---

1 - Symington Amendment  
 2 - Glen Amendment  
 3 - Moral Leadership.  
 4 - Nonproliferation Policy

بویژه در حوزه انتشار خارج از کنترل فناوری‌های هسته‌ای مورد توجه کابینه‌ی وقت قرار گرفت. در این زمان مهم‌ترین قوانین و مقرراتی که درخصوص تحدید شرایط صدور فناوری بویژه فناوری مربوط به تولید سلاح اتمی مورد توجه کنگره واقع شد، عبارتند از:

- اعمال محدودیت شدید در زمینه‌ی صدور فناوری بازپروری پلوتونیوم و غنی‌سازی اورانیوم از آمریکا به دیگر کشورها.
  - اتفاق نظر کنگره درخصوص شناسایی «دو فاکتو» پادمان‌های فراگیر<sup>۱</sup> آژانس بین‌المللی انرژی اتمی. (Nye, op.cit (IAEA): 154-164)
  - اصلاحیه‌ی کنگره در سال ۱۹۷۷ مبنی بر توسعه‌ی اختیارات رئیس جمهور در عرصه‌ی اعمال ممنوعیت یا کاهش صادرات فناوری. (علیخانی، همان: ۵۸)
  - تأکید کنگره بر اجرا شدن قانون اداری صادرات و خط‌مشی گسترش صادرات در سال ۱۹۷۹. شایان توجه این که با توجه به سوءاستفاده‌ی رئیس جمهور از اختیارات صادراتی که به افزایش فزاینده‌ی کسری تراز تجاری در این دوره (سال‌های ۷۹-۱۹۷۸) منجر شد، کنگره از طریق پافشاری بر موارد قانونی پیش گفته، دامنه‌ی ممنوعیت‌های صادراتی را در حد اقلام ضروری محدود کرد.
  - تصویب قانون «اختیارات اقتصادی اضطراری بین‌المللی» در سال ۱۹۷۹ که دامنه‌ی تحریم صادراتی شوروی را به حوزه‌ی فناوری پیشرفته (در کنار غلات و فسفات) تسری می‌داد؛ لازم به اشاره است که در چارچوب قانون مزبور، ملاحظات امنیت ملی و سیاست خارجی مندرج در قانون اداری صادرات نیز اعمال می‌شد. (همان: ۶۰-۵۹)
  - مصوبات قانونی مربوط به محدودیت‌ها یا ممنوعیت‌های صادراتی که اقلام و تجهیزات مرتبط با فعالیت‌های تروریستی را دربر می‌گرفت. (U.S Export 1992: 202-203)
- همگام با ورود جمهوری خواهان به کاخ سفید در سال ۱۹۸۱، آرمان «تجدید بنای توانایی

---

1 - Full-Scop Safeguards.

کشور» با شالوده‌ای قوی از احساسات وطن‌دوستی ملهم از ارزش‌های سنتی، بر روند طراحی و پردازش خطوط راهنمای راهبرد کلان کشور حاکم شد؛ (Smith, 2005: 119-120) در این فضای مقابله با روند برتری‌طلبی راهبردی بلوک رقیب، رویکرد تحدید و کنترل شدید روند دستیابی مسکو به فناوری پیشرفته، به یکی از اولویت‌های کنگره تبدیل شد، (Bryen, 1999: 3) در این ارتباط موارد زیر مورد نظر و تصویب کنگره قرار گرفت:

- تشدید سیاست‌ها و قوانین نظارتی بر جریان صدور کالا و اقلام مربوط به تصفیه‌ی نفت و گاز طبیعی و دانش فنی مربوط، به عنوان مقدمه‌ای فنی - اقتصادی برای تقویت بنیه‌ی نظامی شوروی. (همان: ۱۱۵-۱۱۴)
- اعلام موافقت با ضرورت حمایت از «گروه بین‌سازمانی انتقال فناوری راهبردی»<sup>۱</sup> به عنوان نهادی تخصصی که از تابستان ۱۹۸۲ مسئولیت هماهنگ‌سازی میان مراجع مرتبط با سیاست کنترل صدور فناوری پیشرفته را بر عهده گرفته بود. (مک فارلند، ۱۳۶۹: ۱۹)
- موافقت با تمدید مهلت زمانی اجرای «قانون اداره‌ی صادرات». در این زمینه باید متذکر شد که سال ۱۹۸۳ از زاویه‌ی تعامل چالش‌برانگیز میان قوه‌ی مجریه و کنگره از اهمیت زیادی برخوردار است؛ چرا که در این زمان کنگره بر مبنای تقویت جهت‌گیری توسعه‌ی صادرات، بازبینی قانون مورد اشاره را امری ضروری می‌دانست. از آنجا که این امر با سیاست‌های ریگان در زمینه‌ی تحدید عرصه‌ی صادرات در تعارض بود، در نهایت، در پی عقب‌نشینی کنگره، رئیس‌جمهور در مسیر پیشبرد رویکرد مورد نظر از فرصت‌های جدیدی برخوردار شد.
- موافقت نهایی با تصویب «اصلاحیه‌ی قانون اداره‌ی صادرات»<sup>۲</sup>. لازم به توضیح است که در نیمه‌ی اول دهه‌ی هشتاد میان کنگره و سنا از یک سو و از سوی دیگر میان این دو مرجع تقنینی و قوه‌ی مجریه، بحث‌های مفصلی در خصوص چگونگی ایجاد توازن میان

1 - Senior Interagency Group on the Transfer of Strategic Technology (SIG-TT)

2 - Export Administration Amendment Act(EAAA).

«منافع اقتصادی حاصل از حضور فعال در صحنه‌ی تجارت جهانی» و «ملاحظه‌های امنیتی مربوط به گسترش یا جابه‌جایی خارج از نظارت فناوری‌های پیشرفته» جریان داشت؛ که در نهایت، بر مبنای اعلام نظر کنگره، اصلاحیه‌ی پیش گفته از وجهه‌ی قانونی لازم برخوردار شد. بر این مبنای کنگره ضمن مجاز شناختن روند جدید صدور مجوزهای معتبر صادراتی و بازرسی‌های مربوط به اقلام و فناوری‌های حساس دارای کاربرد نظامی یا دفاعی (بویژه فناوری‌های دو منظوره)، رئیس جمهور را موظف می‌کرد که قبل از برقراری ممنوعیت‌های صادراتی بر مبنای مصالح امنیتی و دفاعی مورد نظر، با قوه‌ی مقننه (کنگره) مشورت و رأی‌زنی لازم را به عمل آورد. (Lindstrom, 1987: 48-50)

- تصویب «قانون منع گسترش هسته‌ای آمریکا» بر مبنای قانون مزبور که در سال ۱۹۸۷ از سوی کنگره به تصویب رسید، صدور اورانیوم غنی شده و پلوتونیوم همراه با تسهیلات مربوط، ممنوع اعلام شده و افزون بر آن، تمامی شرکت‌های آمریکایی برای ساخت نیروگاه هسته‌ای در دیگر کشورها، به اخذ مجوزهای لازم موظف شدند. (Melliot & Heginald, 1989: 262-263)
  - تصویب «اصلاحیه‌ی پرسلر»<sup>۱</sup> این اصلاحیه که در سال ۱۹۸۵ توسط کنگره تصویب شد، در پی برقراری تحریم‌های اقتصادی و نظامی علیه پاکستان برآمد، تا از این طریق روند دستیابی این دولت به سلاح اتمی را تضعیف یا خنثی نماید. (برزگر، ۱۳۷۸: ۴۴-۴۲)
- در پایان این بحث، باید اشاره کرد که دو قانون اخیر از نمادهای هویت‌یابی جهان سوم در چارچوب رویکرد جنگ سردمحور آمریکا بر محور کنترل صدور فناوری مربوط به تولید سلاح‌های کشتار جمعی تلقی شده است.

#### ۴ - کنگره و سیاست کنترل صدور بر محور رهنامه فرا سذبندی

همگام با پایان جنگ سرد و دستیابی آمریکا به فرصت‌های منحصر به فرد در جهت باز

---

1 - Pressler Amendment

تعریف نقش جهانی خود، بازنگری در روند تقنینی ملهم از ادبیات این دوره، در دستورکار رهبران این دولت قرار می‌گیرد. نکته‌ی قابل تأمل این است که حذف شوروی به عنوان تهدیدی جهانی، الگوی جهت‌یابی راهبرد کلان ایالات متحده در فضای جدید را به سوی بهره‌مندی از نوعی «منطقه‌گرایی» سوق می‌دهد. به این ترتیب، «راهبرد دفاع منطقه‌ای» به عنوان بستری مناسب برای شناسایی و رویارویی با طیف‌های گوناگون تهدید مورد توجه قرار می‌گیرد. در این میان تهدید ناشی از گسترش فناوری‌های پیشرفته‌ی معطوف به تولید سلاح‌های کشتار جمعی، به عنوان متغیری که از نقش تعیین‌کننده‌ای در جریان قانونگذاری کنگره (بر محور اعمال نظارت و کنترل بر جریان صدور فناوری به دیگر کشورها) برخوردار است، مورد تأکید قرار می‌گیرد. در این ارتباط، به مهم‌ترین مصوبات کنگره در دهه‌ی پایانی قرن بیستم (دوره‌های بوش و کلینتون) اشاره خواهد شد.

#### الف) دوره‌ی بوش

در سال‌های ۹۱-۱۹۹۰ فضای تقنینی کنگره برای طرح و تصویب قوانین مشخصی که نوعی تفسیر موسّع و فراخ‌نگر را برای سیاست کنترل صدور فناوری فراهم آورد، مناسب بود. شرایط مزبور از این باور ریشه می‌گرفت که بهره‌مندی مناطق بحرانی (چون جمهوری‌های تازه استقلال‌یافته) از فناوری‌های پیشرفته، در رشد اقتصادی و در نهایت، ثبات سیاسی این مناطق از نقش قابل توجهی برخوردار خواهد بود. این پیش‌فرض به مقدمه‌ای برای حرکت‌های قانونی زیر تبدیل شد:

- تمدید مهلت اعتبار قانون اداره‌ی صادرات (مصوب سال ۱۹۷۹). در این دوره (۹۱-۱۹۹۰) کنگره به دو اقدام اساسی مبادرت کرد؛ اولین اقدام، تصویب «قانون تسهیلات صادراتی»<sup>۱</sup> بود که می‌توانست به عنوان مقدمه‌ای برای تمدید و اصلاح قانون مورد نظر (اداره‌ی

1 - Export Facilitation Act(EFA)

صادرات) لحاظ شود، اما حرکت مزبور با وتوی (جیبی) رئیس جمهور<sup>۱</sup> مواجه شد. دومین تلاش، به ابتکار رئیس دموکرات کمیته‌ی نمایندگان که مسئولیت بررسی قانون اداری صادرات را نیز بر عهده داشت، انجام گرفت. لایحه‌ی نهایی که بر اعمال تسهیلاتی در خصوص صدور تجهیزات مخابراتی و ارتباطی، تجدید نظر در مورد رویه‌های نظارتی و کنترلی وزارت بازرگانی و وزارت خارجه در امر صدور کالا و فناوری، ...، تصریح داشت، در اکتبر سال ۱۹۹۱ به تصویب رسید؛ اما به دلیل بروز ناهماهنگی میان نهادهای اجرایی و تقنینی از سرانجام مشخصی برخوردار نشد. (علیخانی، همان: ۶۶-۶۴)

- تصویب قانون اقتدار دفاع ملی.<sup>۲</sup> بر اساس این قانون که در ۵ نوامبر ۱۹۹۰ در کنگره مورد تأیید نهایی قرار گرفت، رئیس جمهور از مجوز لازم برای اعمال محدودیت علیه اشخاص حقوقی آمریکایی (یا غیرآمریکایی) که به نقض قوانین مربوط به منع صدور تسهیلات و فناوری مبادرت نمایند، برخوردار می‌شد. در این میان، معیارهای صادراتی «رژیم کنترل فناوری موشکی»<sup>۳</sup> سرلوحه‌ی رفتار وی قرار داشت. افزون بر آن، بر اساس قانون مزبور، آمریکا می‌توانست با کشورهای غیرعضو این رژیم مذاکره نموده و در صورت موافقت آنان با اصول ناظر بر آن، در جریان صدور فناوری (موشکی) به این دولت‌ها، با آنان مانند دول عضو برخورد کند. (Boudreau, 1992: 1355)

- قانون کنترل صدور تسلیحات و جلوگیری از جنگ.<sup>۴</sup> تصویب این قانون در سال

۱ - بر اساس قانون اساسی آمریکا، در چارچوب مبحث «تصمیم رئیس جمهور به عنوان شرط قانونی شدن لایحه»، برای وی سه نوع حق وتو یعنی جیبی یا تأخیری، معمولی و خطی در نظر گرفته شده است. وتوی جیبی (یا تأخیری) به موردی اشاره دارد که لایحه ۱۰ روز پیش از پایان دوره‌ی کنگره برای رئیس قوه ی مجریه ارسال شود و وی برای جلوگیری از تصویب لایحه ی ارسالی، از طریق وقت‌کشی تا زمان پایان یافتن دوره‌ی کنگره از پذیرش آن خودداری کند.

2 - National Defense Authorization Act(NDAA).

3 - Missile Technology Control Regime (MTCR).

لازم به توضیح است که رژیم مزبور در سال ۱۹۸۷ به محوریت کشورهای چوچون آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان غربی،...، در جهت همسوسازی محدودیت‌های صادرات تجهیزات و فناوری مربوط به تولید موشک‌هایی که از قدرت حمل ۵۰۰ کیلوگرم برخوردار بوده و تا مسافت ۳۰۰ کیلومتر برد دارند، شکل گرفت.

4 - War Prevention and Arms Transfers Control Act.

۱۹۹۱، به منزله‌ی رهیافتی نو در جهت کاهش جریان صدور تسلیحات امحای جمعی و فناوری‌های مربوط بود؛ مبنی بر اینکه برای تحقق این هدف، افزون بر مذاکره و دیپلماسی، از نمایش قدرت سیاسی و اقتصادی آمریکا نیز بهره‌گیری شود. قانون مزبور از معیارهای زیر (جهت تحدید صدور اقلام فناورانه مورد نظر) تبعیت می‌کرد.

- هدف قرارداد کشورهای مورد نظر رئیس جمهور، بویژه آنانی که از طریق برخورداری از جریان انتقال فناوری نظامی و مواد لازم برای تولید سلاح‌های کشتار جمعی، صلح جهانی را مورد تهدید قرار می‌دهند.
- ایجاد محدودیت در انتقال تسلیحات و فناوری نظامی از سوی آمریکا بر اساس مفاد «قانون کنترل صادرات» (ECA) و «قانون اداره‌ی صادرات». (Mc Cain, 1992: 87-86)
- برنامه‌ی نان-لوگار<sup>۱</sup> که توسط دو تن از نمایندگان کنگره مطرح شد و در سال ۱۹۹۱ از سوی این نهاد به تصویب رسید. این قانون که بر اصل «کاهش تهدید از طریق همکاری»<sup>۲</sup> مبتنا یافته بود، تقویت جریان کنترل صدور مواد شکافتی قابل استفاده در تولید تسلیحات، جلوگیری از سرقت یا خروج غیرقانونی تسلیحات کشتار جمعی، مواد و فناوری مربوط از انبارها و زرادخانه‌های شوروی (سابق) را از طریق معاضدت و هماهنگی با این دولت، مدنظر قرار داده بود. (Brezekjnski, 2007: 94)

آخرین مورد به اقدام چند عضو کنگره در زمینه‌ی تنظیم کردارنامه‌ای برای صدور تسلیحات و فناوری‌های مربوط ارتباط می‌یابد. بر اساس این چارچوب قانونی، که در اوایل دهه‌ی نود مطرح شد، برخورداری دیگر کشورها از این طیف کمک‌های آمریکا، به احراز شایستگی آنان منوط می‌شد؛ شایستگی که درخصوص پایبندی به دموکراسی و حقوق بشر باید به اثبات می‌رسید. (بشری، همان: ۱۷)

1 - Nunn-Lugar Program.

2 - Cooperative Threat Reduction(CTR)



### (ب) دوره‌ی کلیتون

پیروزی دموکرات‌ها به رهبری کلیتون در جریان مبارزه‌ی انتخاباتی سال ۱۹۹۲، شرایط لازم برای تبدیل شدن آرمان «پیشبرد دموکراسی»<sup>۱</sup> به شالوده‌ی «رهنامه فرا سددندی»<sup>۲</sup> آمریکا را فراهم آورد. تأثیرگذاری این رویکرد نرم‌افزاری بر نظام تصمیم‌سازی خارجی، مانع از آن نمی‌شد که نظام تقنینی خاصه کنگره از اعمال نظارت بر جریان صدور فناوری‌های پیشرفته بویژه نوع دو کاربردی آن، غفلت نماید. در واقع، سیاست نوین «درگیری پیش‌رونده»<sup>۳</sup> کلیتون در دهه‌ی پایانی قرن بیستم، از ارتباط متقابل و مکمل هر دو جزء «صدور فناوری در بستر تحولات فناورانه امنیتی» و «گسترش دموکراسی» معنا و هویت می‌یافت. در جهت اثبات این مهم می‌توان به موارد زیر توجه کرد:

- نظارت قانونی بر مبنای مقوله‌ی «استفاده نهایی»<sup>۴</sup>: در این دوره (دهه‌ی نود) رویکرد قانون‌گرایانه‌ی کنگره بر محور صدور مجوزهای صادراتی با مشخصه‌های نوینی مواجه شد؛ که در این میان باید از زمینه‌سازی برای دخالت کارگزاران رسمی دولت آمریکا در حیطه‌ی ملی سیاست‌های فناورانه‌ی دیگر دولت‌های دریافت‌کننده [فناوری] سخن گفت. شایان توجه این که در مواردی دامنه‌ی این دخالت‌های یک‌جانبه‌گرا، موجبات نگرانی دولت‌های اروپایی و حتی اعضای ناتو (به عنوان مهم‌ترین طیف دریافت‌کننده فناوری) را فراهم می‌آورد. (Bruke and Scoville, 2002: Chapter 7)
- مورد دیگر به مشارکت کنگره و بویژه «کمیسیون ناظر بر امور هسته‌ای» در روند بین‌سازمانی مربوط می‌شود که در اواخر دوره‌ی کلیتون شکل گرفت. این روند با مشارکت وزارت خانه‌های امور خارجه، بازرگانی، دفاع و انرژی در کنار محافل اطلاعاتی و آژانس کنترل تسلیحات و خلع سلاح، بازننگری در قوانین، سیاست و

---

1 - Promotion of Democracy  
 2 - Post-Containment Doctrine  
 3 - Progressive Engagement  
 4 - End-use

اهداف ملی معطوف به کنترل صدور فناوری خاصه بر محور رویکرد «منع اشاعه»<sup>۱</sup> را در دستور کار داشت. (Barker, 1999)

### ج) بعد از یازدهم سپتامبر

حملات غافلگیرانه به ارکان اقتصادی و دفاعی آمریکا در سپتامبر ۲۰۰۱، به مقدمه‌ای برای طراحی راهبرد کلان دولت بوش بر محور پیوندآفرینی میان فعالیت‌های تروریستی و گسترش خارج از کنترل تسلیحات کشتار جمعی و فناوری‌های مربوط تبدیل شد. (Newman, 2004: 59) رویکرد مزبور که در مهم‌ترین اسناد امنیتی این دولت بویژه سند راهبرد امنیت ملی سپتامبر ۲۰۰۲ انعکاس یافت؛ در سطح سیاست‌های ملی ناظر بر کنترل صدور فناوری نیز به شدت اثرگذار بود. در این میان، کنگره درصدد برآمد که از طریق مصوباتی خاص، زمینه‌های تحقق هدف مزبور را تسهیل نماید:

- مصوبه‌ی ۲۹ اکتبر ۲۰۰۱ مبنی بر ضرورت لغو قانون تحریم پاکستان که در سال ۱۹۹۹ در جهت رویارویی با کودتای نظامی در این کشور به تصویب رسیده بود. (همان: ۱۹) به‌طور منطقی این حرکت کنگره در شرایطی که پاکستان از نقشی محوری در روند پیشبرد سیاست سرکوب القاعده برخوردار بود، نوعی تبعیت از رهنمود رئیس‌جمهور تلقی می‌شد.
- طرح و تصویب قوانین لازم برای اعمال فشار به دیگر کشورها در جهت «بهبود نظام‌های ملی کنترل صدور» آنان که با هدف ارتقای سطح مشارکت این دولت‌ها در جهت تقویت نظام کنترلی ترتیبات چندجانبه‌ی ناظر بر صدور فناوری صورت می‌گرفت. (www.bxa...2001)
- حمایت قانونی از اهداف امنیتی - راهبردی ابتکار امنیت اشاعه: در پی طرح رویکرد

1 - Non Proliferation

نسبتاً نوین بوش در سال ۲۰۰۳ مبنی «ابتکار امنیت اشاعه»<sup>۱</sup> که بر ضرورت نظارت و بازرسی بر جریان جابه‌جایی تسلیحات کشتار جمعی و اقلام فناورانه مربوط خاصه در سطح آب‌های بین‌المللی تأکید داشت؛ کنگره نیز به تصویب برخی اختیارات قانونی مبادرت ورزید که به کمک آن، شرایط لازم برای توقیف اموال توزیع‌کنندگان تسلیحات و فناوری‌های مزبور و حامیان آنان تسهیل می‌شد. (Winner, 2005: 129-135)

### کلام پایانی

با توجه به توضیحات بالا، مشخص شد که بخش مهمی از نظام تصمیم‌سازی خارجی آمریکا بر محور اعمال نظارت و کنترل بر روند صدور فناوری‌های پیشرفته متمرکز شده است. این وضعیت که حتی در سال‌های پیش از ورود این دولت به فضای «بین‌الملل‌گرایی فعال» نیز قابل مشاهده است، به جایگاه تعیین‌کننده‌ی رویکرد «منع / ضد‌اشاعه» در رفتار خارجی آن اشاره دارد، جهت‌گیری که عرصه‌ی پراکندگی و انتشار تسلیحات کشتار جمعی و فناوری‌های پیشرفته را بر مبنای دغدغه‌های امنیتی ایالات متحده (در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی) مورد توجه قرار می‌دهد. نکته‌ی دیگر به الگوی نقش‌آفرینی ارکان اجرایی / تقنینی در این محیط حساسیت‌برانگیز امنیتی / راهبردی مربوط می‌شود. مسأله‌ی مهم الگوی همکاری و در مواردی نوع همپیوندی است که بر حول سیاست مزبور در بین این دو حوزه‌ی اجرایی و تقنینی شکل گرفته و زمینه‌ی لازم برای تحقق منافع مورد نظر را تأمین می‌کند. به عبارت دیگر، بر خلاف موضوعاتی چون «حقوق بشرگرایی» که در دهه‌ی هفتاد به بروز تنش و ناهماهنگی میان کنگره و کابینه منجر شد، سیاست کنترل صدور [فناوری] به فصل مشترک خاصی میان این دو تبدیل شده است. این مهم برای نهادهای چندجانبه‌ای که در ارتباط با مقوله‌ی کنترل صدور فناوری در عرصه‌ی بین‌المللی فعالیت می‌نمایند و نیز کشورهای مخاطب این بخش از جهت‌گیری امنیتی آمریکا، حائز اهمیت خواهد بود.

1 - Proliferation Security Initiative (PSI)

## منابع

## الف) فارسی

- ۱ - بشری، اسماعیل، فروش‌های تسلیحاتی آمریکا بعد از سپتامبر ۲۰۰۱، پژوهش‌نامه خلع سلاح، شماره‌ی ۳ (مرداد ۱۳۸۵).
- ۲ - برزگر، کیهان، برنامه تسلیحات اتمی پاکستان، فصلنامه خاورمیانه، سال ششم، شماره‌ی ۴ (زمستان ۱۳۷۸).
- ۳ - علیخانی، حسین (۱۳۸۰)، تحریم ایران، شکست یک سیاست، ترجمه‌ی محمد متقی‌نژاد، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۴ - کوهن، اولر (۱۳۸۱)، اسرائیل و سلاح‌های هسته‌ای، ترجمه‌ی رضا سعیدمحمدی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۵ - مک فارلند، نیل، رقابت ابرقدرت‌ها در جهان سوم در دهه‌ی ۱۹۹۰، ترجمه‌ی علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال چهارم، شماره‌ی ۳۵ (فروردین - اردیبهشت ۱۳۶۹).
- ۶ - وایل، جی‌سی (۱۳۸۴)، سیاست و حکومت در ایالات متحده آمریکا، ترجمه‌ی قربانعلی گنجی، تهران: قومس.
- ۷ - هالیدی، فرد (۱۳۶۴)، تکوین دومین جنگ سرد جهانی، ترجمه‌ی هرمز همایون‌پور، تهران: آگاه.

## ب) انگلیسی

- 8 - A. Newman, "Arms control, Proliferation and Terrorism: The Bush Administration's Post Sep 11 Security Strategy" , *The Journal of Strategic Studies*, Vol.27, No.1 (March 2004).
- 9 - Bacevich, Andrew J, "Field Marshal McNamara", *The National Interest*, (May-Jun 2007).
- 10 - Barkery, J, "Hearing on the Reauthorization of the Export Administration Act and Managing Security Risks for High Tech Exports (March, 16, 1999), in, **File://A:/barker.htm**.
- 11 - Boudreau, D.G, "An Advancing Nonproliferation", *Strategic Analysis*, Vol. XIV, No.111 (Feb 1992).
- 12 - Brezejnski, Zbigniew (2007), *Second Chance, Three Presidents and the Crisis of American Super Power*, NewYork: Basic Books.
- 13 - Bruke, F.A. and Scoville, H (2002), *How Little is Enough? U.S. End-Use Monitoring and Oversight of Weapons Trade* , Center Washington: for Defense Information.
- 14 - Bryen, Stephen D, "Strategic Export Controls Remain Necessary: Testimony", JINSA Online (12/6/1999).
- 15 - Carothers, Thomas, "Democracy Promotion Under Clinton", *Washington Quarterly*

- , Vol.18, NO.4 (Autumn 1995).
- 16 - Cohen, Warren (1993), *The Cambridge History of American Relations, (Vol.IV), America in the Age of Soviet Power*, Cambridge: Cambridge University Press.
  - 17 - Davis, Tami R. and Jones, Sean M.L, "City Upon a Hill", *Foreign Policy* , No.66, (Spring 1987).
  - 18 - Elliot J.M. and Regional R (1989), *The Arms Control, Disarmament and Military Security Dictionary* , Colifornia: ABC-CLIO,Inc.
  - 19 - Forsythe, David.P (1988), *Human Rights and U.S. Foreign Policy, Congress Reconsidered*, Florida: University Press of Florida.
  - 20 - Forsythe, David (1989), *Human Rights and World Politics* , Lincoln: University of Nebraska Press.
  - 21 - Gaddis, John (1982), "Strategies of Containment", NewYork.
  - 22 - Hamilton, Lee; "The Making of U.S. Foreign Policy: The Roles of President and Congress over four Decades", in, J.A. Thurber(ed), *Rivals for Power, Presidential-Congressional Relations* , (U.S:Rowmax and Little Field Publishers Inc, 2002).
  - 23 - <http://www.bxa.doc.gov/factsheets/facts1.htm> (2001).
  - 24 - Kissinger, Henry, "Reflection on Containment", *Foreign Policy* , vol.73, No.3 (May-Jun 1994).
  - 25 - Kupchan Charles.A and Trubwitz, Peter.L, "Grand Strategy for a Divided America", *Foreign Affairs*\_Vol.86, No.4 (July-August 2007).
  - 26 - Lindstrom, Talbot, "A Defense Department Perspective on Export Control" , in, B.L. Seward (ed), *Technology Control, Competition and National Security, Conflict and Consensus*, (America: University Press of America, Inc, 1987).
  - 27 - Mc Cain, John, "Controlling Arms Sales to the Third World" , *Washington Quarterly* , (Spring 1992).
  - 28 - Milliot, Jeffery and Heginald, Robert (1989), *The Arms Control, Disarmament and Military Security Dictionary*, Santa Barbara: Oxford.
  - 29 - Nye, Joseph.S, "Transformational Leadership and U.S. Grand Strategy", *Foreign Affairs*, Vol.85, No4 (July-August2006).
  - 30 - Nye, Joseph. S, "Maintaining a Non-Proliferation Regime", in, Mohammed Balam, *Essays on Nuclear Proliferation*, New Delhi: Vikas Publishing House, 1995.
  - 31 - Ornstein, Norman J and Mann, Thomas E, "When Congress Cheeks Out" , *Foreign Affairs* , Vol.85, No.6, Nov-Dec 2006.
  - 32 - Smith, Geoffrey, "Who won the war?" , *The National Interest*, (Spring 2005).
  - 33 - "U.S. Export Foreign Policy Controls", *Strategic Digest* , Vol.xxii, NO1.2 (Feb 1992).
  - 34 - Wallerstein, Michel, "Controlling Dual-Use Technologies in the New world Order", *Issue in Science and Technology*, Vol.VII, No.4 (Summer 1991).

